



مقاطعۀ نامه‌ای برای قلمزنی سنگ چاپ

به‌کوشش امید رضایی

(سازمان اوقاف و امور خیریه)

علم شروط یا فن نگارش قبالات از قدیم‌ترین علوم اسلامی است. رابطه بین «فقه» و «هنر نگارش شروط، سجلات و صکوک» به قرون اولیه اسلامی می‌رسد.^۱ سررشته‌داران، محرران و مورخان دوره قاجار از این اسناد به طور کلی با عنوان «اسناد و نوشتجات شرعی» نام برده‌اند. این در حالی است که قائم‌مقامی به جای استفاده از عنوان مشهور «اسناد و نوشتجات شرعی» از دو عنوان «اسناد و بنچاق‌ها»^۲ و «اوراق اسنادی»^۳ استفاده کرده است.

گسترده‌گی قدرت علمای شیعه و وفور طلاب برآمده از مسجد مدرسه‌ها، از یک سو و نبود آرشو ملی، بی‌شک سبب شد که علاوه بر نگارش انواع ایقاعات و عقود، مردم به علما و طلاب مراجعه نمایند تا کاغذی تدوین گردد که اگر روزی نیاز داشتند، حجتی در دست باشد. اگرچه مردم به واسطه نگاه‌داری اوراق خانوادگی در صندوقچه‌ای، اغلب الگوهایی برای نگارش انواع اسناد در پیش رو داشته‌اند، با وجود این نگارش اسناد شرعی در دوره قاجار هم مانند اغلب مشاغل به عنوان نوعی از مالکیت به ارث می‌رسیده است.^۴ مسلماً مسائلی از این دست سبب شد تا در دوره مورد نظر آثار موسوم به کتب شروط در دستور کار سررشته‌داران و محرران شرعیات قرار نگیرد. به طوری که امروزه به دشواری می‌توان در لابه‌لای نسخ خطی، ذیل «منشآت، ترسل و نامه‌نگاری» آثاری مربوط به آن دوره را به دست آورد.

یکی از قدیم‌ترین کتب شروط که در دوره قاجار تدوین شده است نسخه‌ای متعلق به کتابخانه و موزه ملی ملک است. این اثر به شماره ۴۳۱۹ در فهرست (۳۴۳:۷) چنین معرفی شده است:

شکسته نستعلیق، از سده سیزدهم و آغاز چهاردهم، در دفتر کتابخانه به نام «آداب المحررین» ثبت شده است، مطالب در این مجموعه درهم آمیخته است، کاغذ فرنگی، ۹۸ برگ، برگهای بسیار سفید مانده، ۳۴/۷×۲۱/۴، سطرها گوناگون، جلد رویه میشین زرد کهنه.^۵

نوع خط و قلمی که عنوان نسخه را بازگو کند با خط نوشته کاملاً متفاوت است. معلوم نیست که چه کسی این عنوان را بر این اثر نهاده است. لیکن اسم بی‌مسمایی نیست. اگرچه اساتید محترم این مجموعه را «درهم آمیخته» معرفی کرده‌اند، شک نیست که این نسخه، تلاشی ناتمام در تدوین یک کتاب شروط برای دوره قاجار است. اوراق سفید به خوبی گویای این کار ناتمام می‌باشد. در برگ‌های ۸۳ و ۸۴ دو وصیت نامه مهمور اما فسخ شده وجود دارد. خط این دو سند با اکثر صفحات یکی است. سجل این دو سند با نام موصی که هادی نوری است کاملاً منطبق است. بنابراین نام صاحب این اثر مطمئناً هادی نوری است. تاریخ تحریر آخرین وصیت نامه ۱۴ شعبان ۱۲۹۷ است. وی پس از این دو وصیت نامه، چند فقره سند دیگر به تاریخ ۱۲۹۷ ق نوشته است. این احتمال وجود دارد که وی در واپسین سال‌های عمر خود نسخه‌ای از اسنادی که تدوین می‌کرده یا به دستش می‌رسیده برای خود رونویسی می‌کرده تا مجموعه‌ای آموزشی از نوشتجات شرعی تدوین نماید.

^۱ محمدتقی دانش‌پژوه، فهرستواره فقه هزار و چهار صد ساله اسلامی در زبان فارسی بانضمام رساله اصول فقه فارسی (تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷)، ۱۷۳ - ۱۷۶.

^۲ جهانگیر قائم‌مقامی، یک صد و پنجاه سند تاریخی از جلایریان تا پهلوی (تهران: ارثش، ۱۳۴۸)، ص ۳۳.

^۳ مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی (تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۵۰)، صص ۴۰ - ۴۳. همچنین نک: امید رضایی، «نشانه‌ای از قدیم‌ترین کتابچه شرعیات در شیراز دوره قاجاریه»، که به بزودی در فصلنامه وقف میراث جاویدان منتشر خواهد شد.

^۴ Reza Sheikholeslami, "The Sale of Offices in Qajar Iran, 1858-1896". *Iranian Studies*, 2-3 (1971), pp.104-118.

^۵ ایرج افشار و محمدتقی دانش‌پژوه، با همکاری محمدباقر حجتی و احمد منزوی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک (تهران: ۱۳۶۹)، ۳۴۳: ۷ - ۳۴۵.



در فهرست نسخه های خطی این کتابخانه، فهرستی کلی از اسناد استخراج شده است. یکی از این اسناد چنین معرفی شده است: «قرارداد درباره امور چاپخانه، مورخ ۲۹ شعبان ۱۳۲۲». ^۶ در همین عبارت کوتاه هم چند اشتباه وجود دارد. سند در واقع اجاره نامه (مقاطعۀ نامه) ای است که شخصی به نام میرزا رفیع خلیف میرزا عباس تبریز [ی] الاصل که در امور قلمزنی سنگ چاپخانه تخصص داشته خود را «اجیر عام» شخصی به نام میرزا محمدعلی خلیف میرزا عباس طهرانی قرار داده است. بدین معنی که تعهد کرده که شش عدد سنگ ورقی کاری مورد پسند اهالی چاپخانه را با دو عدد سنگ مرکب سابی و سیاه کنی کاری و یکدست چرخ چاپخانه را با جمیع اسباب و لوازم در دو ماه و در قبال مبلغ هجده تومان وجه ۲۴ نخود وزن ناصرالدین شاهی در محل تحویل دهد.

این نوع قبالة که از نظر مردم شناسی، اصطلاحات پیشه ها نسبت به سایر اسناد شرعی منحصر بفرد می باشد، کمیاب است. ازین رو می تواند برای پژوهشگران تاریخ چاپ در ایران بخصوص چاپ سنگی مفید فایده باشد.

* * *

غرض از تحریر آن کلمات شرعیۀ الدلالات آنکه حاضر گردید در محکمه محکمه شرع مطاع لازم الاتباع عالیشان عزت نشان آقا میرزا رفیع، خلیف مرحوم خلد آشیان آقا میرزا عباس تبریز [ی] الاصل، در حالت صحت شرایط معامله بالطوع^۷ والرغبة والاختیار، دون الاکراه و الاجبار، و عند الحضور^۸، اجاره صحیحۀ شرعیۀ ملیه اسلامیۀ داد نفس نفیس خود را به عالیشان عزت نشان آقا میرزا محمدعلی خلیف مرحوم خلد آشیان آقا میرزا عباس طهرانی در خصوص عمل قلم زنی سنگ چاپخانه و نقل نمودن بعد از دو ساعت از برآمدن آفتاب تا دو ساعت مانده به غروب آن، از تاریخ ذیل، لغایت دو ماه کامل هلالی قمری و همگی منافع عینیۀ و حکمیۀ شش عدد سنگ ورقی کاری ملکی متصرفی پسند اهالی چاپخانه با دو عدد سنگ مرکب سابی و سیاه کنی کاری و یکدست چرخ چاپخانه با جمیع اسباب و لوازم آن به هر اسم و رسم بوده باشد، کائناً ما کان از ابتدای تاریخ ذیل لغایت دو ماه کامل هلالی قمری تام اللیالی و الایام به مال الاجاره مبلغ معین القدر و الوصف و الوزن هجده تومان^۹ وجه رواج رایج جدید الضرب ۲۴ نخود درم ناصرالدین شاهی - خلد الله ملکه - از قرار قسط یوم سه هزار دینار وجه موصوف که در آخر هر یومی از مدت مزبوره کارسازی اجیر مزبور نماید؛ مشروط بر اینکه در صورت مسافرت آقا میرزا رفیع به مشهد مقدس به قصد زیارت مختار بر فسخ اجاره بوده باشد. دُدیگر در صورت نیامدن ایشان در ایام [۰۰۰] حسب الشرط مثل الایام اشتغال به عمل و شغل مزبور به جهت مؤجر استحقاق سه هزار دینار مال الاجاره داشته باشد و اگر شکسته شود سنگ یا در چرخ نقصانی به هم رسد فاحشاً ام غیره کائناً ما کان از عهدۀ غرامات و الضررات و فساد آن مصالح بر نیامد، مؤجر برآید و خود بنفسه مرتکب اصلاح آن شود و صیغۀ اجاره شرعیۀ بالایجاب و القبول بر حسب مراتب مزبوره عربیۀ و فارسیۀ بین وکیلها جاری و واقع گردید. و کان ذلک دوازدهم شهر جمادی الاخری ۱۲۹۷...^{۱۰}

^۶ فهرست نسخه های خطی کتابخانه ملی ملک، ص ۳۴۳.

^۷ اصل: بالطوع.

^۸ در متن با درج حرف «ظ»، در حاشیۀ این نکته را متذکر شده است: «ظ: بهتر این است به صیغۀ مصالحه جاری گردد و نوشته شود در این قسم از معاملات».

^۹ صورت سیاقی کل پول هم در بالای حروف نوشته شده است.

^{۱۰} به سیاق هم نوشته شده است.



بها نامه
بهر این که در این کتاب
در این اسم از این کتاب

غرض از تحریر این کتابت شرعی آنست که در کتب کفریه در کتب کفریه در کتب کفریه در کتب کفریه
 صنوع خود شده این تاریخ را بر سر هر کتاب در هر کتابت شرعی با صحت و ابراهیم و ابراهیم و ابراهیم و ابراهیم
 نفس نفوس در این کتابت با تاریخ و تاریخ و تاریخ و تاریخ و تاریخ و تاریخ و تاریخ و تاریخ و تاریخ
 تا در عتبات بجز آنکه از تاریخ و تاریخ و تاریخ و تاریخ و تاریخ و تاریخ و تاریخ و تاریخ و تاریخ
 با در عتبات و کرب با در عتبات و کرب با در عتبات و کرب با در عتبات و کرب با در عتبات و کرب
 از است در تاریخ و تاریخ و تاریخ و تاریخ و تاریخ و تاریخ و تاریخ و تاریخ و تاریخ
 ما در عتبات و کرب با در عتبات و کرب با در عتبات و کرب با در عتبات و کرب با در عتبات و کرب
 بشسته و بقیه بقیه بقیه بقیه بقیه بقیه بقیه بقیه بقیه بقیه بقیه بقیه بقیه بقیه بقیه بقیه بقیه
 در عتبات و کرب با در عتبات و کرب با در عتبات و کرب با در عتبات و کرب با در عتبات و کرب
 و صلی علیهم و آله و سلم و صلی علیهم و آله و سلم و صلی علیهم و آله و سلم و صلی علیهم و آله و سلم
 ۱۲۹۶

غرض از تحریر این کتابت شرعی آنست که در کتب کفریه در کتب کفریه در کتب کفریه در کتب کفریه
 صدق کند ایشان جنس مکان را از هر کتاب در هر کتابت شرعی با صحت و ابراهیم و ابراهیم و ابراهیم و ابراهیم
 و چهار در کتب کفریه در کتب کفریه در کتب کفریه در کتب کفریه در کتب کفریه در کتب کفریه در کتب کفریه